



کوتاهی در رابطه به

موثریت کمکها در افغانستان مارچ 2008

نویسنده: مت والدمن، مشاور امور سیاستگذاری و حمایتی، آکسفام اینترنشنال، افغانستان

اداره هماهنگی کمک ها برای افغانها (اکبر)، یکی از اجزای پیشواز 94 موسسه غیر دولتی، ملی و بین المللی است که در افغانستان مشغول به فعالیت هستند. ارزیابی آزمایشی مشارکتی فقر در افغانستان پروژه ای است که هدفش جمع آوری، مستند سازی، انتشار و حمایت از دیدگاه های فقرا برای شمولیت در استراتژی انکشاف ملی افغانستان، از طریق مشارکت وسیع جامعه مدنی بوده که توسط مؤسسه اکبر به پیش برده شده است. ارزیابی آزمایشی مشارکتی فقر از طریق تحقیق و حمایت، اهداف خود را تحقق می بخشد.

این مرور اجمالی فشرده از سند مفصل مربوط به موثریت کمک ها است، که یکی از سلسله اسناد بخش حمایتی ارزیابی آزمایشی مشارکتی فقر در افغانستان است. هدف پروژه مذکور، بهبود کیفیت جامعه مدنی، به شمول موسسات غیر دولتی، مشارکت در روند توسعه طرح ها و فعالیتهایی که در سطح ملی و سکتورها صورت می گیرند، می باشد.

مرور اجمالی

نا امنی و جنایات رو به افزایش، پیشرفت افغانستان را بمخاطره می اندازد. با توجه به درآمد پایین دولت، کمک های بین المللی بیش از 90% کل هزینه های عمومی در این کشور را تشکیل می دهد، بنابراین، چگونگی مصرف کمک ها تأثیر زیادی روی زندگی تمام شهروندان افغان داشته و در موفقیت بازسازی و انکشاف، نقش تعیین کننده ای خواهد داشت. با توجه به پیوند بین انکشاف و امنیت، اثربخشی کمکها نیز می تواند تأثیری بسزا بر صلح و ثبات در کشور داشته باشند. هنوز هم کمک ها نا کافی بوده و در بسیاری حالات به هدر رفته و مؤثر نمیباشند. لذا فرصت را نباید از دست داد. تمویل کنندگان باید قدمهای عاجل جهت از دیاد و بهبود کمک های شان بردارند.

به مقایسه هزینه نظامی، کمک به بازسازی اندک است. ایالات متحده آمریکا 127 میلیارد دلار را برای جنگ در افغانستان اختصاص داده و ارتش آمریکا در حال حاضر نزدیک به 100 میلیون دلار را در یک روز در کشور مصرف می کند، که حدود 36 میلیارد دلار در یک سال می شود. اما میزان متوسط کمکهای بین المللی که از جانب تمام دونه ها از سال 2001 به این طرف تهیه شده است با تاسف غیر کافی بوده که تنها 7 میلیون دلار در هر روز است. این کاهش کمک ها در ارقام تخمینی سرانه انعکاس یافته است. در دو سال بعد از مشغولیت جامعه بین المللی، کمک سرانه به افغانستان 57 دلار بوده در حالیکه کمک سرانه به بوسنیا 679 دلار و به تیمور شرقی 233 دلار بوده است.

از سال 2001 بدینسو حدود 25 میلیارد دلار در زمینه مسائل امنیتی به افغانستان کمک شده است، مانند ایجاد نیروهای امنیتی در افغانستان. تمویل کنندگان تعهد نموده اند که همین مقدار را در امور بازسازی و توسعه نیز مصرف نمایند و تا هنوز بعضی از تمویل کنندگان عمده، حتی در پرداخت کمتر از نصف آنچه متعهد شده بودند ناموفق بوده اند. لذا تقریباً کاهش 10 میلیارد دلار - معادل سی برابر بودجه سالانه معارف را نشان میدهد. فقط 15 میلیارد دلار پرداخته شده که 40% آن به کشورهای تمویل کننده به عنوان مفاد شرکت ها و حقوق (معاش) مشاورین برگشته است.

بدون تردید، آمریکا با فراهم نمودن یک سوم کل کمکها از سال 2002، بزرگترین تمویل کننده افغانستان به حساب می آید. دیگر تمویل کننده های عمده عبارتند از: جاپان، انگلستان، کمیسیون اروپا، بانک جهانی، آلمان و کانادا، و همچنین کمک های نسبی هالند، ناروی و سویدن نیز قابل توجه است. فرانسه و اسپانیا به هر حال کمک های دو جانبه نا چیز 80 و 26 میلیون دلاری نموده اند.

با وجودیکه عده ای از تمویل کنندگان پروژه های عمده را روی دست گرفته اند، طبق ارقام حکومت، بانک انکشافی آسیایی و هندوستان فقط یک سوم تعهدات شان برای سال 2002 الی 2008 را پرداخت نموده اند. آمریکا تا به حال فقط نصف تعهد 10.4 میلیارد دلاری اش را که برای این مرحله داده بود را پرداخت نموده، و بانک جهانی فقط بیش از نیمی از تعهد 1.6 میلیارد دلاری اش را عملی ساخته است. کمیسیون اروپا و آلمان کمتر از دو سوم تعهد مورد نظر که به ترتیب 1.7 میلیارد دلار و 1.2 میلیارد بوده را پرداخت نموده اند. کوتاهی های متذکره قسماً مربوط به چالش ها در شرایط تطبیقی از قبیل فساد اداری و ضعف در ظرفیت جذب کمک ها میباشد، علت

دیگر شاید این باشد که دولت تمام ار قام مصارف دونه را نداشته باشد. قابل تذکر است که کاهش حجم کمک ها، مساعی تمویل کنندگانرا جهت تخفیف همچو مشکلاتیکه در پلانگذاری فورمولبندی شده و بهبود ارائه معلومات به حکومت افغانستان را کم جلوه میدهد.

بطور جداگانه، شماری از تمویل کنندگان بدنبال آن نیستند تا به تعهداتشان مبنی بر کمک به افغانستان برای 2002 تا 2011 عمل نمایند. بطور کلی، 39 میلیارد دالر تا سال 2011 قول داده شده است، اما تاکنون کمتر از 40% این مبلغ پرداخت شده است. با توجه به ارقام دولت افغانستان، اسپانیا فقط 10% از مبلغی را که برای سالهای 2002 تا 2011 متعهد شده بود، پرداخت کرده است. از سوی دیگر، آمریکا و هندوستان نیز تنها 22% از مبالغ کمکی شان را به افغانستان پرداخت نموده اند که به ترتیب 22.8 میلیارد و 940 میلیون دالر می باشد. ترکیه، چین، بانک انکشافی آسیایی، بانک جهانی و عربستان سعودی جملگی کمتر از 40% تعهدات شان در این دوره را پرداخت نموده اند.

دستاوردهای زیادی از سال 2001 تا کنون بدست آمده. نهاد ها و وزارت ها ی دموکراتیک ایجاد شدند، دربخش صحت و معافیت بهبود قابل ملاحظه رو نما گردیده است، معارف ابتدائی توسعه یافته است، سرکها و زیر بنای ترانسپورت اعمار گردیده است، اقتصاد رشد یافته است، و ارگانهای امنیتی تشکیل شده اند. موارد خوب توزیع کمکها وجود دارد، بگونه مثال در سکتور معارف یا پروژه های توسعه روستا ها که بخشی از پروگرام همبستگی ملی میباشند، در زندگی افغانها تحول قابل ملاحظه را بوجود آورده است.

اکثر افغانها شرایط بسیار سختی را تحمل کرده و میلیون ها در شرایط فقر شدید به سر میبرند. کمکهاییکه تاکنون صورت گرفته، بیشتر تجویزی و مبتنی به تقاضای تمویل کننده بوده تا متناسب به خواستها و نیازهای مشهود افغانها. بسیاری از پروژه ها به منظور ارائه نتایج سریع و قابل مشاهده طراحی شده اند تا رسیدن به اهداف فقرزدایی یا ایجاد ظرفیت پایدار. یک چهارم تمام کمک ها به افغانستان به مسائل فنی به منظور ظرفیت سازی اختصاص یافته که تا کنون بیشتر آن هدر رفته، و مبتنی به تقاضای تمویل کننده بوده و تأثیر محدودی به دنبال داشته است. در طرح و اجرای پروژه ها اکثرآ به رشد توانایی ها، وضع و حقوق زن بعد از وقت یا سطحی توجه میشود. بیشتر کمک ها به طرف کابل یا سایر ساحات شهری هدایت یافته و به ساحات روستایی که بیشتر از یک سوم جمعیت افغانستان را در خود جای داده و شدیداً نیازمند کمک می باشند، توجهی صورت نگرفته است. چون اولویت ها طور درست در نظر گرفته نمیشوند، لذا در سطح کلی به ساحات مانند زراعت منابع کافی داده نمیشود.

در خلال مدتیکه در افغانستان بدون شك محدودیت منابع وجود دارد، تمویل کنندگان در برآورده سازی تعهداتشان در توافق نامه افغانستان مبنی بر استفاده از منابع انسانی و مادی افغان ناکام مانده اند.

موسسات غیر دولتی نقش حیاتی را در حمایت از انکشاف روستایی داشته اند و استفاده از آنها نسبتاً مقرون به صرفه بوده است. بعضی از تمویل کنندگان کمکهایشان به موسسات غیردولتی افغانی و بین المللی را کاهش داده اند که باعث محدود شدن توانایی این موسسات در حمایت از خدمات اساسی، به ویژه در ساحات روستایی و ظرفیت سازی دولت و جوامع محدود شده است.

در توزیع جغرافیایی کمک ها، عدم توازن قابل ملاحظه ای مشاهده می شود. این مسئله ناشی از یک سلسله عوامل بوده و مخصوصاً اینکه کمک فقط بخاطر دستیابی به اهداف نظامی و سیاسی صورت می گیرند. تعدادی از تمویل کننده های اصلی میزان نامتوازنی از کمکهایشان را متوجه ولایات جنوب کشور کرده اند که در آن اوضاع امنیتی به شدت خراب است؛ هلمند به تنهایی پنجمین دریافت کننده عمده کمک های اداره انکشافی بین المللی ایالات متحده (USAID) در سرتاسر جهان است. این عدم توازن، در الگوی هزینه های ترکیبی دولت و تمویل کنندگان دیده می شود: برای نا امن ترین ولایت ها مانند نیم روز، هلمند، زابل، قندهار و ارزگان در سال 2007 و 2008 بیش از 200 دالر برای هر نفر اختصاص یافته، درحالیکه بسیاری از دیگر ولایات هستند که کمتر از نصف این مبلغ و بعضی، مانند سرپل یا تخار، کمتر یک سوم این مقدار کمک برای شان در نظر گرفته شده است.

با توجه به رابطه بین فقر و ناامنی، نارضایتی های ناشی از توزیع نابرابر کمکها، و انگیزه های گمراه کننده ای که در رابطه با ساحات امن وجود دارد و این گونه تصور می شود که ناامنی عامل جذب کننده کمک هاست، این رویکرد تا حد زیاد کوتاه مدت بوده و باعث افزایش ناامنی نیز شده است.

تیم های بازسازی ولایتی از حدود دستور های موقت امنیتی شان فراتر رفته و مصروف امور قابل توجه مربوط به انکشاف شده اند که کیفیت و تاثیر کارشان متفاوت بوده است. باوجودیکه استدلال میشود که موجودیت آنها در مناطق خیلی نا امن ضروریست، با منحرف کردن منابعیکه در عدم موجودیت شان به فعالیت های انکشافی ملکی تخصیص داده میشود، در اکثر موارد روند شکل گیری نهادهای مهم دولت محلی و سایر روندهای انکشاف مدنی را متزلزل ساخته اند. تیم های بازسازی ولایتی باعث شده اند که خط تمایز بین ارگان های امنیتی و ادارات کمک رسانی را کمرنگتر ساخته است، که در نتیجه بی طرفی ادارات اخیرالذکر نادیده گرفته شده، خطر را به کارکنان امداد رسانی از دیداد بخشیده است، و باعث کاهش قابل ملاحظه میزان دسترسی و ساحه تنگتر به کمک های بشر دوستانه شده اند.

حدود دوسوم کمکهای خارجی به دست دولت افغانستان نمی رسد که این امر موجب تضعیف تلاشهای دولت افغانستان در راستای ایجاد نهاد های دولتی مؤثر، بویژه در سطح محلی شده است. این امر تا اندازه ای به مشکلات موجود در تطبیق بودجه، ضعف حکومتداری، ظرفیت نا کافی قوای بشری و فساد کاملاً گسترده در دولت - که تمویل کنندگان و دولت افغانستان باید در شش سال گذشته توجه بیشتری به آن می نمودند افزوده است- ربط دارد. به هر حال، نشانه هایی از پیشرفت های فزاینده در ارتقای ظرفیت دولت دیده می شود که نمونه ای از آن وزارتخانه های مالی و معارف، و بهبود سیستم های مدیریت مالی عامه در دستگاه دولت می باشد.

تمویل کنندگان در ایجاد هماهنگی میان خود شان یا با دولت افغانستان موفق عمل نمی کنند. طبق سروی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، در سال 2005 میزان بسیار کمی از مساعدت های فنی ارائه شده از سوی بانک انکشافی آسیایی، کمسیون اروپا، آلمان، جاپان و انگلستان در چارچوب برنامه های هماهنگ شده مطابق با استراتژی دولت صورت گرفته است و تنها یک سوم فعالیتهای تحلیلی بوسیله دولت و کشور تمویل کننده به طور مشترک اجرا شده است.

تا حدی زیاد به نسبت کاهش در هماهنگی و ارتباط بین تمویل کنندگان، دولت افغانستان اظهار میدارد در این مورد معلومات ندارد که یک سوم کمکهای فراهم شده از سال 2001 که برابر با 5 میلیارد دالر است، در کدام حیطة و چگونه مصرف شده است. بخش عظیمی از کمکها با طرح های ملی و ولایتی همسو نبوده و فقط نصف آنها بر اساس توافق با دولت پرداخته می شوند.

تمویل کنندگان در انجام تعهدشان در توافقنامه افغانستان مبنی بر حصول اطمینان از اینکه مالیات دهندگان در برابر پولی که می پردازند منفعت کسب می کنند، کوتاهی می کنند. مبالغ هنگفتی از کمکها به خاطر منافع مقاطعه کاران و مقاطعه کاران فرعی به هدر می روند که مقدار آن می تواند 50 فیصد در هر قرارداد باشد. حد اقل شفافیت در تهیه، خریداری ها و پروسه های داوطلبی (مناقصه) مانع ایجاد حس رقابت و کارایی می شوند. معاش زیاد با ضمایم هنگفت آن و سایر مخارج بلند خارجی ها نیکه در شرکت های مشورتی و قراردادیان فعالیت مینمایند، هر يك ۲۵۰۰۰۰ الی ۵۰۰۰۰۰ دالر را در يك سال دریافت مینماید. این مصارف با خرابتر شدن وضع امنیتی بالا میروند. وجود بوروکراسی بیش از حد در میان تمویل کنندگان، کارایی کمکها را بیشتر کاهش می دهد.

عملکرد تمویل کنندگان از شفافیت لازم برخوردار نبوده و از سوی دیگر چنانچه مکانیزم های اندکی برای حسابدهی تمویل کنندگان و یا نظارت و ارزیابی موثر عملکردشان وجود دارد. در موافقتنامه های افغانستان ۷۷ معیار برای دولت افغانستان درج گردیده است ولی برای تمویل کنندگان هیچ معیاری وجود ندارد. تمویل کنندگان کمتر مورد بازپرس قرار میگیرند، وضع راپوردهی به حکومت بهبود یافته ولی کافی نیست، و حسابدهی از بالا به پائین تا سطح مستفید شوندگان محدود بوده یا هیچ وجود ندارد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

تأثیر کمکها به افغانستان شدیداً متأثر از وضعیت اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، امنیتی و سیاسی می باشد، بنابراین، افزایش موثریت کمک ها نیازمند ایجاد اصلاحات در حوزه های مربوطه می باشد. کمکها تأثیر قابل توجهی بر زندگی افغانها داشته اند، اما موجودیت ضعف ها در حوزه های مختلف، به شدت توانایی کمکها در فقرزدایی را محدود ساخته است. از این رو، تمویل کنندگان و دولت افغانستان باید هرچه سریعتر به توصیه های زیر عمل کنند.

میزان کمک: تمویل کنندگان باید مطابق با اقدامات مبنی بر بهبود موثریت کمکها، میزان کمک در بخش انکشافی و بشری به افغانستان که بخشی کوچکی در مقایسه با مساعدت نظامی است را افزایش دهند. تمویل کنندگان باید در سدد جستوی بودجه بیشتری را به دولت افغانستان قرار زیر و موسسات غیر دولتی با کفایت اختصاص بدهند، به وعده هایشان عمل کنند و متعهد به فراهم آوری مساعدت های چند ساله شوند. برای اینکه دولت افغانستان از وابستگی به کمک ها رهائی یابد، تلاش های مبنی بر افزایش عواید داخلی را سرعت بخشد.

توزیع کمک: ضروری است که ارزیابی جامع و عینی از روند بازسازی و توسعه، و نیازهای بشری ولایات افغانستان به عمل آید و مطابق با آن، به تنظیم مجدد هزینه های دولت و تمویل کنندگان شود. چون وضع امنیتی بدون شك مصارف توزیع کمک را بیشتر میسازد، لازم است که

توزیع عادلانه منابع و حمایت از ساحاتی که شدیداً به کمک های انکشافی و بشردوستانه صورت گیرد.

کیفیت کمک: تمویل کنندگان باید تضمین کنند که برنامه های کمکی شان از اهداف بنیادی یا اصلی کاهش فقر برخوردار هستند، با توجه به خواسته ها فراهم می شوند، نیازهای مردم افغانستان را مدنظر قرار می دهند، ظرفیت محلی را بلند میبرد، وبه شهروندان و دولت افغانستان حسابده هستند. مساعدت بیشتر باید در پروژه هایی که به نفع مردمی که در مناطق روستایی زندگی می کنند، و اهداف مساوات جنس بایست در طرح و تطبیق تمام فعالیت های انکشافی در نظر گرفته شود. هر تمویل کننده باید برای ارزیابی سالانه عملکرد هایشان در هر زمینه و برای بررسی سازگاری با استراتژی انکشاف ملی افغانستان، یک نهاد ارزیابی کمک ها را ایجاد نماید. در استراتژی انکشاف ملی افغانستان که تجدید نظر در آن صورت گرفته است و سایر پلان های انکشافی تمویل کنندگان و دولت بایست اولویت ها را در نظر گرفته و تسلسل نسبی با در نظر داشت اهمیت و بزرگی اهداف فقرزدائی را داشته باشد.

شاخص های موثریت کمکها: تمویل کنندگان و دولت افغانستان باید مشترکاً روی شاخص های موثریت کمک ها، اهداف مرتبط با یکدیگر، سنجش موثریت، کارایی، همبستگی، ثبات، حسابدهی، احساس مالکیت افغان ها از کمک ها و همچنین استفاده منابع انسانی و مادی افغان با یکدیگر توافق کنند.

نظارت و حسابدهی: یک کمیسیون مستقل ملی باید جهت سنجش کارایی کمکها باید تأسیس گردد تا به نظارت بر شیوه های تطبیق کمک ها، شناسایی کمبودها و ارائه توصیه های لازمه بپردازد. کمیسیون برای هر تمویل کننده یک کارت راپوردهی را انداخته میتواند که در آن سطح دست آورد های رسیدن به اهداف را درج نماید. جهت تقویت حسابدهی به شهروندان، باید اقدامات لازمه صورت گیرد. تمویل کنندگان باید برای موسسات جامعه مدنی بودجه فراهم نمایند تا بتوانند کنترل جریان و روندهای بودجه را انجام بدهند، این امر، چنانکه در سایر کشورهای در حال توسعه مشاهده می شود، به حصول اطمینان از بررسی و ارزیابی موثریت کمک ها مساعدت می کند.

شفافیت: تمویل کنندگان باید به طور آشکارا همه اطلاعات در مورد جریان های کمک را فراهم نمایند؛ در شکل ماخذ معلوماتی کمک های افغانستان باید تغییرات آورده و تازه شود و به عموم مردم اجازه دسترسی به معلومات مربوط کمک های ارائه شده به افغانستان را بدهد.

مالکیت و حکومتداری: برای بیشینه سازی میزان مالکیت افغان ها از روند انکشاف، تمویل کنندگان باید در سدد از دیاد سطح کمک های تهیه شده برای سکتور دولتی از طریق افزونی بودجه مرکزی، بویژه در بودجه انکشافی شوند. برای موجه ساختن این امر دولت افغانستان باید گام های بسوی موارد زیر را بردارد:

- ارتقای ظرفیت ها در جهت اجرای بودجه، خصوصاً وزارت خانه های مربوطه؛
- تقویت مدیریت و کنترل های پولی و مالی؛
- تسریع روند اصلاح اداره عامه، بویژه در بخش خدمات ملکی؛

- اطمینان از اجرای دقیق استراژی مبارزه علیه فساد دولت، گسترش شفافیت، بهبود کنترل، نظارت و تفتیش حسابی، و کارآمد ساختن روند ها و طرز العمل ها؛ و
- اصلاح نهاد های حکومتداری، دادن اختیارات بیشتر از جانب وزارت های مربوط به ادارات محلی و بهبود ظرفیت سیستم ها در سطح محلی؛ و گسترش مشارکت جوامع و جامعه مدنی در طرح، تطبیق، سمندهی و کنترل فعالیت های انکشافی.

هماهنگی و توازن: تمویل کنندگان باید از مکانیسم های موجود به منظور هماهنگی دولت و تمویل کنندگان استفاده نمایند؛ منابع بشری و مالی مورد مدیریت کمیسیون مشترک (JCMB) و ملل متحد هر دو باید برای تحقق این هدف استحکام یابند. تمویل کنندگان می بایست که اطلاعات بموقع، جامع و درست را در همه زمینه های کمک برای دولت فراهم سازند، و اطمینان حاصل نمایند که آنها با اولویتهای انکشاف محلی و از همه مهمتر استراتژی انکشاف ملی افغانستان متناسب هستند.

تمویل کنندگان باید از طریق مکانیزم های مانند صندوق وجهی بازسازی افغانستان، به طور اساسی میزان حمایت از برنامه های سکتوری را افزایش دهند و گامهای فراتر از اعلامیه پاریس بردارند که طبق آن 66% کمک ها طی چنین برنامه توزیع گردیده است. تمویل کنندگان باید گام های مشترکی را برای افزایش حجم فعالیت تحلیلی مشترک از یک سوم - به دوسوم و اطمینان از اینکه حداقل نیمی از مأموریت تمویل کننده مشترک اجرا شده است بردارند.

شیوه ها: تمویل کنندگان باید پروسه های بوروکراتیک مدیریت پروژه ها را ساده و همساز سازند، در این رابطه با دولت افغانستان و نمایندگان موسسات غیر دولتی یک گروه کاری را تأسیس نمایند.

کمک فنی. تمویل کنندگان باید اطمینان حاصل نمایند که کمک فنی مقرون به صرفه، برخاسته از نیازمندی، هماهنگ شده، متناسب با اولویتهای های ملی، و متمرکز بر ظرفیت سازی کارمندان محلی است. تمویل کنندگان باید صندوقهای ذخیره را برای نظارت بر تهیه مساعدت فنی به وزارت خانه های خاص را تأسیس نمایند.

مقاطعہ کاران. تمویل کنندگان باید فقط از مقاطعه کاران استفاده نمایند که یک سابقه کاری باکیفیت داشته، و از قرارداد های فرعی چندین لایه جلوگیری نمایند. ایشان باید طبق احکام عمومی یا اصول مقاطعه و مناقصه باشند.

تیم های بازسازی ولایتی. کیفیت و تأثیر گزاری کمک هایشان باید گسترش یابد، و باید اطمینان حاصل نمایند از اینکه متناسب با اولویتهای رسمی ملی و محلی است. تیم های بازسازی ولایتی باید دستور های تسهیل نمودن انکشاف یک محیط با ثبات و ایمن را رعایت نمایند، و محیطی را در همسویی با حالت موقت شان مهیا سازند، در فعالیت آنها باید طوری کاهش بعمل آید که سبب به پایان رسیدن پلانهای شان در مناطق نسبتاً با امن شود. پول های تمویل کننده گان باید از تیم های بازسازی ولایتی به دولت محلی و ملی تغییر جهت داده شوند، مانند استفاده برنامه همبستگی ملی.

حقایق درباره کمک به افغانستان

- کاهش ۱۰ میلیارد دالری که معادل به سی برابر کل بودجه سالانه در بخش معارف است رونما گردیده است. تمویل کنندگان تعهد نموده بودند که از سال 2001، 25 میلیارد دالر کمک نمایند، اما فقط 15 میلیارد دالر پرداخت شده است.
- حدود 40% کمک ها به کشورهای تمویل کننده تحت عنوان فواید گروهی و معاشات مشاوران بر می گردد که تقریباً شش میلیارد دالر از سال ۲۰۰۱ بدینسو میباشد.
- تاحدی زیاد بخاطر عدم هماهنگی و ارتباطات، دولت افغانستان نمی دانند که یک سوم تمام کمک از سال 2001 بدینسو - حدود 5 میلیارد دالر - چگونه به مصرف رسیده است.
- ارتش آمریکا نزدیک به 100 میلیون دالر در یک روز در افغانستان هزینه می کند، اما همچنان مقدار متوسط مصرف کمک از سال 2001 فقط 7 میلیون دالر در روز است.
- بیش از نیم کمک ها برای تدارک کالا ها و خدمات از کشورهای تمویل کننده می باشد.
- بیش از دو سوم کل کمک ها بدون در نظر داشت دولت مصرف می شود.
- بر اساس آخرین ارقام OECD کمتر از 40% کمک فنی هماهنگ شده با دولت و فقط یک سوم فعالیت تحلیلی تمویل کننده به صورت مشترک اجرا شده است.
- تفاوت های مفاد در مورد قرار دادهای شرکت های افغانی و خارجی بازسازی اغلب 20% هستند و می تواند الی 50% بلند برود.
- هزینه اکثر مشاوران که طور مکمل در شرکت های مشورتی به کار گماشته شده اند از 250000 دالر الی نیم میلیون دالر در یک سال می رسد.